



■ نقل تاریخ برای عبرت!

از انصاف به دور دانستن «داستان اتم»، به مذاق کارگردان این مستند خوش نیامد. احمد کشاورز، در واکنش به انتقادات و حملات اصلاح طلب ها به این مستند، در گفت و گویی با روزنامه جوان گفت: «ما هیچ نییتی برای انتقاد از دولت نداشته ایم و صرفاً تاریخ را برای عبرت نقل کرده ایم. این مستند از خاطرات منتشر شده افرادی، چون مرحوم هاشمی رفسنجانی و آقای روحانی ساخته شده است، اما از زمان پخش اولین قسمت فشارهای زیادی به شبکه ۳ سیما برای جلوگیری از ادامه پخش وارد شده است و اتهام می زند که ما به دنبال تخریب دولت هستیم.»

کشاورز به گفته خود روایت تاریخی از پرونده هسته ای ایران کرده که در قسمت اول از دوره پیش از انقلاب آغاز می شود و در قسمت دوم روی کار آمدن دولت موقت و اتفاقاتی را که در آن دولت برای انرژی هسته ای رخ می دهد، مرور می کند که در برخی از آن اتفاقات، شورای انقلاب هم دخیل است. در ادامه مستند «داستان اتم» به رحلت امام خمینی (ره) و رئیس جمهوری شدن مرحوم هاشمی رفسنجانی می پردازد، که در این قسمت آیت الله هاشمی سراغ واردات برخی فناوری های هسته ای از پاکستان و عقد قرارداد با روسیه و چین می رود که هر دوی این کشورها به تعهدات شان عمل نمی کنند. قسمت بعدی «داستان اتم» به رأی آوردن سید محمد خاتمی و اقدامات هسته ای در دولت اصلاحات اشاره دارد که کشاورز درباره این قسمت گفت: «در دوره خاتمی آغاز فعالیت های هسته ای در طنز و فردور بررسی می کنیم و گزارش های عملکرد ایران به آژانس هسته ای که همه فعالیت های ایران تحت نظر آژانس انجام می شده، اما به ناگهان منافقان، کنفرانس خبری برگزار می کنند و مدعی می شوند که ایران فعالیت های مخفیانه دارد و از آنجا به بعد لزوم پذیرش NPT و نظارت های دائمی آژانس پیش می آید.» «در مذاکرات هسته ای این دوره مشخص می شود که دولت هاشمی رفسنجانی NPT را پذیرفته بوده و آقای ولایتی آن را امضا کرده است.»

در قسمت هفتم مجموعه «داستان اتم»، رأی آوردن حسن روحانی و مذاکرات هسته ای منجر به توافق هایی در تلوژ، ژنو، لوزان و در نهایت تصویب برجام مرور می شود که در قسمت هشتم تا دهم نیز ادامه پیدای کند تا به خروج آمریکا از برجام و عدم تعهدات اروپا می رسد. «خروج آمریکا از برجام و اتفاقات بعد از آن تا آمدن شینزوآبه به ایران و سخنان مهم رهبر معظم انقلاب در دیدار با وی که اعلام کردند دیگر مذاکراتی رخ نخواهد داد، نقطه پایان داستان اتم است.» این مستند ساز در پاسخ به این سؤال که چرا با وجود ادامه مباحث هسته ای که در روزهای اخیر نیز به قوت خود ادامه دارد «داستان اتم» را در آن نقطه به پایان رسانده اید، می گوید: خیلی ها به ما می گویند که مستند را ادامه بدهیم، اما به نظر من ما تا همانجا به هدف اصلی مان که روایت تاریخ و عبرت گرفتن از آن بود، رسیده ایم. اینکه احمد کشاورز چگونه به نتیجه پایان ناخوش برجام رسیده که تا همینجا ماجرا را بس می داند و از آن روایتی عبرت ساز می سازد، خود جای سؤال دارد که صدا و سیما همچون هزاران سؤال پیرامون خود آن را هم بی پاسخ گذاشته است.

■ کتاب خاطراتی که خبر ساز شد

در انبوه اتفاقاتی که صدا و سیما با آن دست و پنجه نرم می کند، محمد سرافراز هم می تواند کتاب خاطراتی منتشر کند که در آن از حضور یک سال و نیمه خود روایت ها کند. او در یک نقطه با وحید جلیلی مشترک است و آن نقش آفرینی حسین محمدی معاون فرهنگی دفتر رهبر جمهوری اسلامی است. محمد سرافراز که از ۱۷ آبان ۹۳ به مدت یکسال و نیم ریاست سازمان صدا و سیما را بر عهده داشت، کتاب خاطرات خود را در حالی منتشر کرد که دوبار پیش از آن دو گفت و گوی جنجالی داشت. گفت و گویا محمد رضا داوری و روزنامه شرق که البته آنچه در هر دوی این مصاحبه ها پررنگ بود، شرح وقایع مربوط به ارتباطش با شهروزاد میرقلی خان بود. فردی که به عنوان بازرس ویژه سرافراز انتخاب شده بود و پس از مدتی از او فیلمی منتشر شد که اسنادی از طریق محمد سرافراز به دست او در کشور عمان رسیده است. اما کتابی که از او منتشر شد به موضوعات مهمتری از این بحث اختصاص یافت. «روایت یک استعفا، ۲۴ سال مدیریت در رسانه ملی» از سوی محمد سرافراز، رئیس سابق صدا و سیما منتشر شد که در آن به دوران مدیریتش و دلایل جدا شدن از این سازمان پرداخته است. او در این کتاب به ماجراهایی همچون «ممنوع التصویری»، «ممنوع الفعالی»، «ممنوع المنبر»، «ممنوع الکارت»، «ممنوع الحضور» و... که فهرستی چند هزار نفره را در خود جامی داد، پرداخت: «از حراست سازمان [صدا و سیما] خواستم فهرست افراد ممنوع التصویر را برابم بفرستند... فهرستی دادند که شامل «چند هزار نفر» از استادان دانشگاه، هنرمندان، مجری ها و... می شد. بعضی از اسامی فهرست اصلاً فوت شده بودند. یا در جایی دیگر آورده: «زمانی که در چند سال پیش مصلحت حکم می کرد که اخبار مربوط به رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت جایگاهی در اخبار و برنامه های تلویزیون نداشته باشد و صدا و سیما الحق و الانصاف در این باره عملکردی بی نقص داشت. البته پاسخ را خیل مردم تشیع کننده و خانواده مرحوم هاشمی رفسنجانی دادند و مصلحت ندانستند تا عبدالعلی علی عسگری، زیر تابوت مرحوم هاشمی را بگیرد.»

■ کانون فشار مالی به رسانه ملی

این تازه بخشی از نوشته های هیجان انگیز سرافراز است. او آنجا که بخش منفعت های مالی را روایت می کند، وارد جنجال تازه ای می شود. او در مورد مزایده آگهی های بازرگانی صدا و سیما این گونه روایت کرد: «این ها آگهی های بازرگانی! کانون فشار مالی به سازمان [صدا و سیما] بود. ما تصمیم گرفتیم مزایده برگزار کنیم و مزایده گذاشتیم. در ابتدا خیلی استقبال کردند، از سپاه آقای آبرومند و آقای طائب گفتند ما حاضریم کمک کنیم و قرار شد با نماینده ما مذاکره کنند. جلسه ای در هلدینگ یاس متعلق به سپاه برگزار شد. آقای مهر دادی، مدیر عامل وقت هلدینگ یاس و آقای بابا زاده، مدیر عامل دانای سپاه، فردی به نام سید هادی رضوی وعده دیگری در جلسه حضور داشتند و از طرف سازمان هم آقای کاردار و آقای ولایتی بودند. به گفته نمایندگان سازمان در آن جلسه در ابتدا گفتند از طریق دو کنسرسیون مزایده شرکت می کنند اما ناگهان عقب نشینی کردند و به صورت غیر رسمی از چند کانال وعده شکست مزایده و تغییر رئیس سازمان را دادند. فکر می کنم چون به اهداف شان نرسیدند و برعکس با فشاری من در مورد عملیات روانی و تشابه با مجاری قتل های زنجیره ای مواجه شدند.»

■ فردوسی یور چگونه کنار رفت؟

کتاب خاطرات محمد سرافراز بخشی را هم به عادل فردوسی پور اختصاص داد. موضوعی که طرح آن می توانست برای خیلی ها مهم و دارای ارزش خبری باشد و از همه مهم تر به جزئیات اجرایی پیردازد که مشخص می کند که چرا مجری ای که از نظر مخاطبان بهترین است باید از شبکه سه سیما و برنامه پور طرفدار ۹۰ کنار گذاشته شود. آن گونه که سرافراز نقل کرده پس از گفت و گوی عادل فردوسی پور با محمد جواد ظریف، از جایی دستور رسید که او نود را حذف کند یا برنامه را به شخصی غیر از فردوسی پور بسپارد. سرافراز آن را نپذیرفت تا در دوره بعد علی فروغی بتواند از عهده این کار بر بیاید.

■ روایت یک استعفا

بخش اصلی کتاب «روایت یک استعفا» فصل آخر آن است که ماجرای استعفای سرافراز در آن آمده است. او در این بخش از کتابش نوشت: «در تعطیلات فروردین ۹۵ [قبل از اعلام استعفا] جلسه ای با آقای طائب [رئیس سازمان اطلاعات سپاه] داشتم و گفتم که من تشکر می کنم از شما و چون ممکن است آقایان را نبینم، از طرف من از آقای حسین محمدی [معاون بررسی دفتر رهبری] و حاج آقا مجتبی تشکر کنید، زیرا از منبه را فراهم کردید که من از صدا و سیما بروم و این جای تشکر دار و من راحت می شوم، او به جای اینکه تکذیب کند، گفت خب می خواهی بعدش چی کار کنی؟ گفتم باز نشسته می شوم.» با انتشار کتاب سرافراز نیز با وجود همه واکنش ها هم کسی در مقام تأیید یا تکذیب آن بر نخاست. پدیده ای در رسانه ملی نبود که او به آن اشاره نکند اما تنها واکنشی که در برابرش مطرح شد شک در صحت روایت های شفاهی است.